

مقدمه :

توقیف و حبس غیر قانونی از جمله جرائم علیه آزادی اشخاص است که با توجه به اهمیت آزادی اشخاص این موضوع در اصل ۳۲ قانون اساسی ج.ا.ا. و برخی قوانین موضوعه عادی به خصوص قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

اصل سی و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

در قانون مجازات اسلامی از آنجا که ممکن است این جرم توسط مقامات و مأمورین دولتی و نیروهای مسلح یا مقامات قانونی و قضایی صالح و یا به مناسبت مأموریت و شغل مقامات یادشده یا غیرآن ارتکاب یافته باشد حسب مورد در مواد قانونی جداگانه‌ای مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

شایان ذکر است مواد (۵۷۵، ۵۷۰ و ۵۸۳ ق.م.ا) از منابع و متون قانونی اصلی جرم توقیف و حبس غیرقانونی به شمار می‌روند و در مواد (۵۸۴ تا ۵۸۷) قانون مذکور تهیه مکان برای بازداشت غیرقانونی و برخی کیفیات مخففه و مشدده جرم مورد توجه مقنن قرار گرفته است. ما در این مقاله ابتدا با توجه به اهمیت و کاربردی که ماده (۵۸۳ ق.م.ا) دارد به توضیح این ماده می‌پردازیم و در ادامه به طور اختصار سایر مواد قانونی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

فصل اول - ارکان تشکیل دهنده توقیف و حبس غیرقانونی در ماده (۵۸۳ ق.م.ا)

(۱) رکن قانونی :

ماده (۵۸۳) ق.م.ا مقرر می دارد:

« هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیرآنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیرمواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

(۲) رکن مادی :

عناصر تشکیل دهنده رکن مادی جرم توقیف و حبس غیرقانونی شامل افعالی است که موجب سلب آزادی فرد می گردد. با توجه به اینکه عنصر مادی بزه موضوع ماده (۵۸۳) از سه جزء توقیف، حبس و مخفی نمودن تشکیل شده در اینجا به اختصار به شرح این افعال می پردازیم:

الف - توقیف :

در لغت به معنی بازداشت کردن، در جایی واداشتن، از حرکت بازداشتن، واقف گردانیدن و ضبط کردن است.^(۱) و در مفهوم حقوقی به سلب آزادی از شخص یا مال او با حالت انتظار ترخیص آمده است.^(۲) از نظر کیفری توقیف عبارت است از عمل مادی دستگیر کردن شخص و جلوگیری از ادامه طریق و بالجمله محروم ساختن او از اختیار رفتن و آمدن است، در مدت نسبتاً کوتاه که معمولاً از ۲۴ ساعت تجاوز نمی کند.^(۳) ضرورت ندارد که توقیف منتهی به حبس واقعی و نگهداری شخص در محل معین گردد. مستفاد از آئین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اصلاحی ۱۳۸۰/۴/۲۶ ریاست محترم قوه قضاییه، توقیف ناظر به بازداشت موقت در بازداشتگاه است که در آن حال، تکلیف قطعی

متهم هنوز معلوم و روشن نیست. طبق ماده (۴) آیین نامه مذکور « بازداشتگاه » محل نگهداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند.» باید توجه داشت اگر چه از نظر لغوی تحت نظر قراردادن با توقیف متفاوت است و تحت نظر نگه داشتن، ملازمه ای با توقیف در محل مخصوصی ندارد ولی از نظر عرفی و حسب رویه معمول تحت نظر قرار دادن اشخاص مترادف با توقیف می باشد.

برابر نظریات مورخه های ۷۶/۳/۳۰ و ۷۲/۴/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه « تحت نظر بودن مترادف بازداشت تلقی و بیش از ۲۴ ساعت جایز نیست و به استناد ماده (۱۲۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ توقیف بیش از ۲۴ ساعت بدون تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین در ردیف توقیفاتی است که با اراده شخصی به عمل آمده و هریک از مستحفظین یا مستنطق یا مدعی العموم در ازای تخلف از شغل خود منفصل خواهند شد.»^(۴)

شایان ذکر است عمل مادی توقیف غیرقانونی موضوع ماده (۵۸۳) ق.م.ا ممکن است توسط هرکسی اعم از مامورین دولتی و غیرآنها صورت گیرد و محل توقیف نیز ممکن است خارج از بازداشتگاه، در خانه، اتومبیل، قایق و یا هر محل دیگری باشد.

ب - حبس :

حبس در لغت به معنی بازداشتن، بازداشت و زندان^(۵) و در اصطلاح حقوق جزا سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوری که در زمان آن، حالت انتظارترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آن را توقیف گویند.^(۶)

شایان ذکر است در حبس نیز ممکن است حالت انتظار وجود داشته باشد مانند آزادی زود هنگام در اثر بهره مندی از عفو و آزادی مشروط و ولی علی الاصول این موارد با حالت انتظار در توقیف متفاوت می باشند.

برابر ماده (۳) آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

« زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا بطور دائم به منظور اصلاح و تربیت و عمل کیفر نگهداری می شوند.»

بنابراین حبس غیرقانونی متفاوت از زندانی شدن شخص به موجب تصمیم مقام قضایی می باشد. می توان گفت: (حبس غیرقانونی عبارت است از سلب آزادی تن از شخص برخلاف قانون در محل معین به مدت نسبتاً طولانی) از همین جا توقیف غیرقانونی از حبس غیر قانونی متمایز می گردد، با این توضیح که در توقیف، شخص فقط دستگیر و تحت محافظت و مراقبت قرار می گیرد و محل توقیف مهم نیست که کجا می باشد، در حالی که در حبس غیرقانونی، شخص دستگیر شده در محل محفوظ تری که یکی از مصادیق آن زندان است، نگهداری می شود. به علاوه مدت حبس عرفاً طولانی تر از مدت توقیف می باشد.

ج - مخفی نمودن به عنف:

مخفی کردن همراه با عنف به معنای آن است که کسی را بدون رضایت وی، و اصولاً توأم با قهر و غلبه در محلی نگهداری نمایند. مخفی کردن جرمی است مستمر در محلی غیر از زندان یا بازداشتگاه قانونی و ممکن است محل آن جایی مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد.^(۷)

(۳) رکن معنوی :

توقیف و حبس غیرقانونی از جرائم عمدی، است و منظور از عمد علاوه بر عمد در انجام فعل، آگاهی و معرفت مرتکب به نامشروع بودن اعمالی است که به یکی از صور مذکور (توقیف، حبس و مخفی نمودن) منجر به سلب آزادی افراد می گردد. بنابراین اگر مرتکب بر اثر اشتباه موضوعی یا غیر عمد مرتکب این عمل شود، قابل مجازات نخواهد بود.

همچنین قصد و یا سؤنیت خاص از قبیل قصد اضرار مادی و معنوی به دیگری یا تحصیل و جلب منفعت برای تحقق این جرم ضرورت ندارد یعنی همین که فاعل عالم به نامشروع بودن اعمال ارتكابی باشد و بازهم از روی اراده مرتکب آن شود عنصر معنوی این جرم محقق شده است.

با مدنظر قراردادن توضیحات فوق، نکات ذیل در مورد ماده (۵۸۳) ق.م.ا. قابل ذکر است:

۱- عنصر مادی این جرم فعل مثبت مادی است.

توقیف یا حبس یا مخفی کردن دیگری باید به صورت فیزیکی انجام شود بنابراین صدور قرار توقیف یا حبس مشمول حکم این ماده نمی‌گردد و برای تحقق جرم موضوع این ماده شخص حتماً باید توقیف یا حبس شده باشد. شایان ذکر است اگر سلب آزادی تن بصورت ربودن افراد باشد موضوع مشمول ماده فوق نبوده، بلکه مشمول ماده (۶۲۱) ق.م.ا. می‌گردد.

۲- چنانچه بازداشت یا توقیف در ابتدا قانونی باشد ولی پس از اتمام مدت قانونی، بدون مجوز ادامه یابد مشمول عنوان بازداشت غیرقانونی خواهد بود.

۳- باتوجه به کلمه «غیر آنها» حکم این ماده شامل افراد عادی نیز می‌گردد ولی برخی حقوق‌دانان اعتقاد دارند: این ماده فقط شامل مأمورین دولتی می‌شود زیرا :

اولاً: این ماده در قانون مجازات اسلامی زیر عنوان کلی تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی آمده است لذا غیر از مأمورین دولتی را شامل نمی‌شود.

ثانیاً: در صدر ماده به مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح اشاره شده است و علی‌الاصول منظور قانونگذار از

غیر آنها شامل افرادی در ردیف مأمورین دولتی بوده است.

ثالثاً : قید «در مواردی که قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده» ناظر به مأمورین دولتی می باشد، زیرا حتی در مواردی که قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده است، افراد عادی حق دستگیری و بازداشت کسی را ندارند و این امر وظیفه مأمورین است.^(۸)

با توجه به نگارش ماده و سابقه وضع این ماده در قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات و اینکه عنوان کلی سرفصل در قانون تعیین کننده موضوعات و احکام نمی باشد، همچنین با توجه به اطلاق عبارت «هرکس» به نظر می رسد کلمه «غیرآنها» شامل همه افراد حتی افراد عادی نیز خواهد بود.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۵ مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه مؤید این برداشت می باشد.^(۹)

فصل دوم - تبیین دیگر مواد مرتبط با حبس و توقیف غیرقانونی:

۱- ماده (۵۸۴) قانون مجازات اسلامی

قانونگذار در این ماده نوعی از معاونت در بازداشت غیرقانونی (بصورت تهیه مکان برای بازداشت) را بعنوان جرمی خاص مورد توجه قرار داده است.

طبق این ماده: «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

در مورد این ماده فرقی نمی کند که مرتکب این جرم مأمور دولت باشد یا فرد عادی نکته مهم این است که معاونت در جرم توقیف غیرقانونی هرگاه به طریقی غیر از تهیه مکان باشد،

تابع قواعد کلی معاونت در جرائم تعزیری و مشمول مواد (۴۳ و ۷۲۶) ق.م.ا. بوده و مجازات آن حداقل مجازات ماده (۵۸۳) خواهد بود.^(۱۰)

۲- ماده (۵۸۵) قانون مجازات اسلامی

قانونگذار در این ماده یکی از کیفیات قانونی تخفیف دهنده مجازات را پیش‌بینی نموده است.

طبق این ماده :

« اگر مرتکب و یا معاون قبل از آنکه تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات حبس او از دو تا شش ماه خواهد بود.»

باید توجه داشت چنانچه مرتکب یا معاون اقدامات مندرج در این ماده را بعمل آورند ولی مجنی علیه بیش از ۵ روز در توقیف مانده باشد، از معافیت موضوع این ماده برخوردار نمی‌شوند و عمل آنها فقط طبق بند ۶ " ماده (۲۲) موجب تخفیف در مجازات خواهد بود. همچنین شرط انطباق با این ماده این است که مرتکب با اراده خود فرد بازداشت شده را رها نماید ولی چنانچه مرتکب قبل از پنج روز دستگیر شود و آزادی فرد توقیف شده با اراده او نباشد مشمول تخفیف مقرر در ماده مذکور نمی‌گردد.

۳- شرح مواد (۵۸۶ و ۵۸۷) قانون مجازات اسلامی

قانونگذار در این مواد، مواردی از جهات مشدده کیفر را در توقیف و بازداشت غیر قانونی پیش‌بینی کرده است.

طبق ماده (۵۸۶) قانون تعزیرات :

« هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر نیز محکوم خواهد شد.»

۱- به نظر برخی^(۱۱) چنانچه جرم موضوع این ماده و جعل عنوان در قالب یک عمل باشد (بازداشت و توقیف با اتخاذ عنوان مجعول صورت گرفته باشد) ظاهراً از مصادیق تعدد معنوی است، اما قانونگذار در اینجا به منظور رفع چنین ابهامی تصریح نموده اقدام مرتکب تعدد مادی محسوب و به مجازات هردو جرم محکوم می‌گردد.

۲- اگر چه قانونگذار در این ماده به تصریح بیان نموده است اگر بازداشت توأم با اختیار نمودن اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا با ابراز حکم جعلی باشد مرتکب علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر هم محکوم خواهد شد با این حال این ایراد به ماده وارد است که توأم بودن متعددی را با توقیف احصاء نموده ولی مجازات جداگانه را فقط برای جعل و تزویر متذکر و باقی موارد را بدون تعیین مجازات خاصی، مسکوت گذاشته است.

۴- ماده (۵۸۷) قانون تعزیرات نیز مقرر می‌دارد:

« چنانچه مرتکب جرائم مواد قبل توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.»

۱- قانونگذار در این ماده فقط به تهدید به قتل و شکنجه و آزار بدنی اشاره کرده است بنابراین شکنجه روحی و معنوی از شمول این ماده خارج است.

۲- طبق ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی تهدید جرم مستقلی است ولی در این ماده تهدید فقط موجب تشدید مجازات است.

۵- ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی

طبق ماده (۵۷۰) ق.م.ا اصلاحی مورخه ۸۱/۱۰/۱۱ مجلس شورای اسلامی : «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دوماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق افراد ملت، مجموعاً ۲۶ اصل راجع به حقوق سیاسی و مدنی افراد پیش‌بینی گردیده است.

برخی از حقوق و آزادی‌های افراد که در قانون اساسی طی اصول نوزدهم تا چهل و سوم و اصول دیگر بیان شده است عبارتند از: تساوی در برابر قانون، آزادی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل، عقیده، بیان، اجتماعات و راهپیمایی‌ها، برخورداری از تامین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، حق دادخواهی، انتخاب وکیل و برخی از این حقوق و آزادیها، مصداق آزادی شخصی است و آزادی شخصی در عرف حقوقی به آزادی تن گفته می‌شود که زیر بنای تمام آزادی‌هاست و تا تن انسان آزاد نباشد. امکان بهره‌برداری از سایر آزادیها و حقوق وجود ندارد.

برخی از مصادیق آزادیهای شخصی که در نوشته‌های حقوقی آمده است عبارتند از حق زندگی، آزادی رفت و آمد، اختیار مسکن، امنیت شخصی، آزادی در زندگی خصوصی.

واژه ملت نیز که در این ماده بکاررفته است دارای تعاریف مختلفی است و در مورد عوامل بوجود آورنده آن مانند: تابعیت، دین، تاریخ و نظریات متفاوتی وجود دارد.

به نظر می‌رسد ملت در اینجا به مفهوم خاص حقوقی خود نیست بلکه شامل تمام کسانی می‌شود که حق برخورداری از آزادی و حقوق اساسی مذکور در قانون اساسی را دارند.

نکته :

با توجه به مشترک بودن توضیحات کلی که پیشتر در مورد ارکان تشکیل دهنده، جرم توقیف و حبس غیرقانونی داده شد و به منظور پرهیز از طولانی شدن بحث در اینجا به توضیح برخی از مهمترین نکات اختصاصی پیرامون ماده (۵۷۰) ق.م.ا. بسنده می‌کنیم.

۱- عنصرمادی جرم موضوع این ماده سلب آزادی افراد ملت برخلاف قانون اساسی یا محروم نمودن آنها از حقوق مقرر در قانون اساسی است. ومجازات این ماده در مورد مقامات و مأموران دولتی اعمال می‌گردد که به مناسبت شغل دولتی و مقام رسمی خود در صدد سلب آزادی مشخص افراد ملت یا محروم نمودن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی برمی‌آیند. اما به نظر می‌رسد در صورتی که اقدام مأمورین دولتی در سلب آزادی افراد ملت بر خلاف قانون اساسی یا محروم نمودن آنها از حقوق مقرر در قانون اساسی به بازداشت منتهی گردد مصداق این ماده نبوده و موضوع حسب مورد می‌تواند مشمول حکم ماده (۵۸۳) قانون مجازات اسلامی گردد.

۲- به نظر می‌رسد در صورتی که جرم موضوع این ماده به موجب امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی توسط مأمورین واقع شود برابر حکم ماده (۵۷) ق.م.ا. عمل خواهد شد.

مطابق ماده (۵۷) قانون مذکور، «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و یا به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.»

۳- رکن معنوی این جرم عمد عام است یعنی همینکه فاعل به نامشروع بودن عمل ارتكابی عالم باشد و باز هم به صورت عمد مرتکب آن شود عنصر معنوی جرم محقق شده است. در اینجا قصد مخالفت با قانون اساسی به عنوان سؤنیت خاص لازم نیست. اگر چه این قصد خاص در موارد بسیاری می‌تواند وجود داشته باشد اما چنین شرطی از متن ماده فهمیده نمی‌شود و ظاهراً برای تحقق جرم موضوع این ماده سؤنیت خاص (مخالفت با قانون اساسی) ضرورت ندارد.

۶- ماده (۵۷۵) قانون مجازات اسلامی

ماده (۵۷۵) ق.م.ا مقرر می‌دارد:

«هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به اتصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

عنصر مادی در جرم موضوع این ماده توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا صدور قرار مجرمیت کسی به صورت غیرقانونی است. در این ماده توقیف مترادف بازداشت نمی‌باشد بلکه از کنار هم قرار گرفتن توقیف و بازداشت در متن ماده می‌توان چنین برداشت نمود که توقیف ناظر بر جلب و دستگیری است ولی بازداشت ناظر بر حبس و زندانی کردن می‌باشد

ضمناً به نظر می‌رسد کلمه «دستور» پیش از «توقیف» در متن قانون جا افتاده باشد. یعنی کلمه دستور می‌بایست قبل از کلمه توقیف ذکر می‌شد که مورد توجه مقنن قرار نگرفته است.

تعقیب جزایی یا کیفری، آن است که کسی به واسطه طرح شکایت یا اعلام اشخاص در جرایم مشهود و یا سایر موارد مشروح در قانون تحت پیگرد قرارگیرد. دستور خلاف قانون تعقیب جزایی ممکن است به تبع شکایت شاکی خصوصی یا گزارش و اعلام اشخاص یا بدون طرح شکایت یا اعلام گزارش باشد. مثلاً اگر دادسرا به استناد اخطارات بی‌امضاء و هجومانه و کاغذهای تهدیدآمیز شروع به تعقیب و بازداشت نماید. می‌تواند با شرایطی مشمول حکم این ماده قرار گیرد.

با توجه به توضیحات فوق برخی از نکات مهم در مورد این ماده عبارتند از:

۱- از مفاد ماده (۵۷۵) ق.م.ا به راحتی استنباط می‌شود که اشخاص مورد خطاب قانونگذار، کسانی هستند که صلاحیت توقیف و بازداشت را دارند. اگر این جرم توسط مقام غیر صالح صورت گیرد مشمول این ماده نمی‌شود.

منظور از مقام یا مأمور صالح کسی است که حق صدور بازداشت یا قرار مجرمیت یا تعقیب جزایی یا توقیف را داشته باشد، لذا مأموران انتظامی و یا سایر ضابطین دادگستری در جرایم مشهود مقام صالح محسوب می‌شوند و اگر توقیف را بیشتر از ۲۴ ساعت ادامه دهند توقیف غیرقانونی موضوع ماده فوق محسوب خواهد شد. ولی چنانچه معلمی شاگرد خود را جهت تنبیه در کلاس حبس کند و همچنین اگر رؤسای ادارات دولتی کارمند خود یا فرد دیگری را بازداشت نمایند چون مقام یا مأمور صالح محسوب نمی‌شوند مشمول ماده مزبور نبوده و حسب مورد مشمول ماده (۵۸۳) ق.م.ا می‌گردند.

۲- توقیف یا دستگیر کردن جرمی است آنی .

۳- امر به توقیف یا بازداشت در غیر موارد قانونی از جرائم مطلق است و مقید به تحقق بازداشت نیست یعنی صرف صدور عمدی دستور یا قرار توقیف و بازداشت وقتی برخلاف قانون باشد، بدون این که عملاً منتهی به سلب آزادی تن گردد جرم است و عنصر مادی این جرم را محقق می‌سازد. با اینحال در صورتیکه دستور غیرقانونی مقام صالح موجب بازداشت و توقیف فردی گردد، به نظر می‌رسد در مورد مسئولیت مأمور با توجه به ماده (۵۷) ق.م.ا. عمل خواهد شد.

۴- اگر دستور تعقیب و توقیف و صدور قرار مجرمیت در یک موضوع و برای یک شخص صادر شود جرم واحد محسوب می‌شود.

۵- اخذ قرار تأمین نامناسب که منتهی به بازداشت متهم شود مشمول این ماده نیست بلکه طبق مفاد ماده (۱۳۰) ق.آ.د.ک عمل می‌شود که اشعار می‌دارد: (هرگاه بازپرس تأمین نامتناسب اخذ نماید موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه چهار به بالا خواهد بود). همچنین اگر بازپرس بدون سوءنیت و غرض خاص مبادرت به بازداشت کسی با رعایت تشریفات نموده و بعداً معلوم گردد که تشخیص او اشتباه بوده است این عمل تنها تخلف انتظامی محسوب می‌گردد.

۶- اگر فرمانده نظامی برخلاف مقررات آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح کارکنان تحت امر خود را توقیف یا بازداشت نماید به نظر عده‌ای مشمول این ماده نخواهد بود بلکه حسب مورد می‌تواند با ماده (۴۹) ق.م.ج.ن.م. یعنی اعمال تنبیه برخلاف مقررات آیین‌نامه انضباطی، یا خارج از اختیار قابل انطباق بوده و تحت این عنوان تعقیب شود.

عده‌ای نیز اعتقاد دارند اگر فرمانده به عنوان تنبیه انضباطی کارکنان تحت امر خود را بازداشت نماید عمل وی مشمول مقررات تعدد معنوی جرم (ماده ۴۶ ق.م.ا.) بوده و مجازات جرم اشد یعنی مجازات مندرج در ماده (۵۸۳ ق.م.ا.) اعمال خواهد شد.

۷- مأموران انتظامی فقط در موارد جرایم مشهود و در صورتیکه جرم محقق شده باشد حق توقیف افراد را دارند پس مأمورین نمی‌توانند به صرف مظنون شدن به بهانه جرم مشهود افراد را بدون دلیل توقیف نمایند. در این صورت عمل مأمورین (بازداشت افراد در غیرجرائم مشهود) بازداشت غیرقانونی محسوب و مشمول حکم ماده فوق خواهد بود.

۸- دادسرا و دادگاه در مواردی هم که جلب و توقیف شخصی برابر قانون ضرورت داشته باشد نمی‌توان در خارج از حوزه قضایی خود به ضابطین دستور جلب دهند چون اولاً ایفای وظیفه قضایی دادگاه و به تبع آن دادسرا برابر ماده (۵۱ ق.آ.د.ک) دادگاههای عمومی و انقلاب به حوزه قضایی محل مأموریت خود محدود گردیده و اقلام دادگاه یا دادسرا به جلب و دستگیری متهمی نیز چیزی جدای از وظایف محوله نمی‌باشد. ثانیاً برابر ماده (۱۷) از قانون مرقوم ریاست و نظارت بر ضابطین با رییس حوزه قضایی مربوطه است پس مراجع قضایی در این موارد می‌توانند با اعطای نیابت قضایی دستگیری متهم را به مرجع دیگر محول نمایند. در این راستای نظریه مشورتی مورخه ۷۳/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه چنین اشعار می‌دارد: «دستور جلب متهم توسط دادگاه در خارج از حوزه قضایی خود از طریق نیروهای انتظامی و امثال آن بدون نیابت قضایی فاقد وجاهت قانونی است، فقط با اعطا نیابت توسط دادگاه در خارج از حوزه قضایی خود امکان جلب متهم و اعزام همراه مأمورین است و طبق مفاد ماده (۱۹) ق.آ.د.ک. کلیه ضابطین دادگستری هر حوزه قضایی تحت نظارت مدعی عمومی متلقند دستور مقامات قضایی را انجام داده و اجراء نمایند. بنابراین جلب متهم با اعطاء نیابت به دادگاه خارج از حوزه قضایی امکان پذیر است.»^(۱۲)

فصل سوم - تبیین ماده (۶۲۱) ق.م.ا و بررسی ارتباط آن با ماده (۵۸۲) قانون مذکور:

با توجه به ارتباط موضوع ماده (۶۲۱) ق.م.ا با مواد یاد شده بطور اختصار به این ماده نیز اشاره می‌شود.

طبق ماده (۶۲۱) ق.م.ا «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هرمنظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هرنحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخص را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد.....»

عنصر مادی این جرم ربودن یا مخفی کردن دیگری است و عنف یا تهدید یا حيله جنبه تمثیلی دارد بنابراین ربودن و مخفی کردن به هرشکلی صورت گیرد را در برمی گیرد. اصولاً ربودن یا مخفی کردن انسان با جلب و توقیف ملازمه دارد. البته موضوع اصلی ماده (۶۲۱) ق.م.ا آدم ربایی است با توجه به متن ماده (۶۲۱) و عبارت (به هرنحو دیگر) می توان آدم ربایی را چنین تعریف کرد: جابجا کردن غافلگیرانه فرد، بدون رضایت وی. عبارت بدون رضایت وی، شامل عنف، حيله، تهدید و هرنحو دیگر خواهد بود.^(۱۳)

شایان ذکر است مخفی نمودن دیگری نیز یکی از صور تحقق رکن مادی این جرم می باشد که با آدم ربایی متفاوت است زیرا آدم ربایی جرمی است آنی و به محض سلب آزادی واقع می گردد اما مخفی کردن جرمی است مستمر و ممکن است محل آن جایی مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد^(۱۴)

در مورد این ماده یک نظر این است که: عنصر مادی جرم موضوع ماده (۶۲۱) مذکور ربودن یا مخفی کردن دیگری است و عنف یا تهدید یا حيله جنبه تمثیلی دارد بنابراین ربودن یا مخفی کردن به هرشکلی صورت گیرد را در برمی گیرد. اصولاً ربودن یا مخفی کردن انسان با جلب و توقیف وی ممکن است همراه باشد. در حقیقت مخفی کردن به معنای پنهان داشتن یا پوشیده ساختن فرد بدون رضایت وی یکی از مصادیق سلب آزادی تن و یا توقیف غیر قانونی است که در ماده (۵۸۳ ق.م.ا) نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و از این جهت عمل مخفی نمودن که در هر دو ماده ذکر گردیده دارای تعدد اعتباری جرم موضوع ماده (۶۱) ق.م.ا) بوده و می بایست مجازات اشد اعمال گردد.

ولی باید گفت تحقق جرم موضوع ماده (۶۲۱ ق.م.ا) مستلزم وجود شرایطی از جمله انگیزه و قصد خاص مطالبه وجه یا مال، انتقام و می باشد که چنین شرایطی در ماده (۵۸۳) این قانون وجود ندارد. توضیح اینکه با توجه به سابقه تفینی موضوع و سیاق نگارش مواد و تفاوت فاحش مجازاتها در این دو ماده می توان این تلقی را داشت که اگر فعل مخفی نمودن مسبوق به ربودن بوده یا با قصد آدم ربایی یا مطالبه وجه یا مال یا سایر سؤاستفاده های شخص و انگیزه های مجرمانه دیگر ارتکاب یافته باشد ماده (۶۲۱ ق.م.ا) حاکم می باشد که مقنن برای آن مجازات شدیدتری (حبس تعزیری از ۵ تا ۱۵ سال) پیش بینی نموده است. و با فقدان شرایط لازم برای تحقق جرم آدم ربایی (موضوع ماده ۶۲۱) سلب آزادی مشمول ماده (۵۸۳ ق.م.ا) یعنی توقیف یا حبس غیرقانونی و مخفی کردن عادی است.^(۱۵)

با توجه به توضیحات فوق برخی از نکات مهم در مورد ماده (۶۲۱) ق.م.ا عبارتند از:

۱- به نظر می رسد منظور مقنن از عبارت «.....توسط دیگری...» مواردی نظیر ربودن سازمان یافته و رهبری باند آدم ربایی و یا مباشرت معنوی در ارتکاب جرم است، نظیر ربودن سازمان یافته و رهبری باند آدم ربایی و یا مباشرت معنوی در ارتکاب جرم است. نظیر سرکرده یک باند تبهکار که دستور ربودن کسی را صادر می کند و افراد وی مبادرت به ربودن شخصی می نمایند که در این صورت هریک از آدم ربایان و نیز رهبر گروه و یادستور دهنده که خود شخصاً قفل مادی جرم را مرتکب نشده است به موجب این ماده مجازات می گردند، بنابراین صرف دستور به ربایش نیز ممکن است عنصر مادی این جرم قرار گیرد.^(۱۶)

۲- معمولاً هنگامی مخفی نمودن عنصر مادی این ماده محسوب می گردد که مسبوق به ربودن باشد والا مشمول ماده (۵۸۳) ق.م.ا می گردد با اینحال اگر کسی مانع از خروج دیگری از محلی گردد و وی را در همان محل مخفی نماید و سپس در قبال آزادی وی درخواست وجه نماید عملش مشمول ماده (۶۲۱) است اگرچه مسبوق به ربودن نباشد. بنابراین اگر صاحب

مسافرخانه یا هتلی مسافری را در اتاقی که کرایه نموده حبس نماید و سپس با اعلام به بستگان وی در قبال آزادی وی چیزی بخواهد عملش مشمول این ماده می‌گردد.

۳- اگر کسی پس از ربودن دیگری او را مخفی نماید عملش متعدد نمی‌باشد.

۴- عبارت «... و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» ظهور در ارتکاب جرائم دیگر پس از آدم ربایی دارد و ظاهراً عبارت اخیر در بیان نسخ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص از حیث کیفر در صورت ارتکاب جرائم دیگر بوده است. فلذا هرگاه پس از ربایش، عمل زنا یا لواط یا صدمه جسمی منجر به زوال عقل هم صورت گیرد، کیفر جرائم مذکور با کیفر آدم ربایی جمع می‌گردد و مطابق قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، حکم به اعدام یا حبس ابد داده نخواهد شد.

۵- طبق تبصره ذیل ماده (۶۲۱) ق.م.ا، مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است لذا چنین فهمیده می‌شود که شروع به مخفی نمودن دیگری جرم نمی‌باشد.

همچنین می‌توان گفت شروع به آدم ربایی مربوط به مواردی است که در محل ربودن، موضوع کشف و از انتقال مجنی علیه بجای دیگری ممانعت بعمل آید.^(۱۷)

خودآزمایی :

الف و ب که غیر نظامی می باشند با معرفی خود به عنوان مأموران انتظامی ج : را که در رابطه با صدور چک بلامحل تحت تعقیب مرجع قضایی بوده است با تهدید به ایراد ضرب و جرح بازداشت نموده و در ادامه در زیرزمین منزل د مخفی می نمایند. خانواده ج مراتب را به پلیس منعکس و با تلاش مأموران پلیس محل اختفاء وی پس از ۴ روز شناسایی و ضمن دستگیری متهمان ج از بازداشت رها می گردد.

الف - اگر شما قاضی پرونده باشید متهمان را تحت چه عناوین مجرمانه تعقیب می کنید.

جرائم و مجازات هریک از مرتکبین را با استناد به مواد قانونی مشخص نمایید.

ب - اگر متهمان در ضمن بازداشت مجنی علیه را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشند مستندات قانونی و مجازات هریک را مشخص کنید.

۲- الف و ب که مأمور انتظامی می باشند ج را که حسب ظاهر معتاد بوده جلب و به کلانتری مربوطه دلالت و مراتب را جهت کسب تکلیف به قاضی کشیک گزارش می نمایند. قاضی کشیک وقت زیر گزارش می نویسد «گزارش عیناً اعاده متهم فعلاً با ضمانت معتبر آزاد و ضمن انجام تحقیقات لازم و انجام تست اعتیاد نتیجه تکمیلأ بنظررسد که در نتیجه مظنون یادشده بلحاظ نداشتن ضمانت معتبر به مدت ۲۴ ساعت در کلانتری (به دستور افسر نگهبان کلانتری) بازداشت می گردد.

ج - پس از رها شدن از بازداشت طی شکوائیه تقدیمی به دادسرای نظامی فراهان رسیدگی شده است.

بنظر شما بعنوان قاضی پرونده چه جرائم و تخلفاتی به وقوع پیوسته است مجازاتهای قانونی را با استناد به مواد قانونی مشخص کنید.

پاورقی :

- ۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید ذیل ماده توقیف.
- ۲- دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ذیل ماده توقیف.
- ۳- دکتر پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاص، ص ۲۲۴.
- ۴- استعلامات قضایی سازمان ق.ن.م. ص ۲۱ و ۵.
- ۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ذیل ماده حبس.
- ۶- دکتر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ذیل ماده حبس.
- ۷- دکتر گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی ص ۳۲۴.
- ۸- اکثر اساتید مطرح نیز با نظر اداره حقوقی قوه قضاییه مبنی بر اینکه حکم ماده شامل همه افراد غیردولتی می شود موافق می باشند، از جمله دکتر گلدوزیان در حقوق جزای اختصاصی و محشای قانون مجازات اسلامی و آقای بهمن کشاورز در محشای قانون تعزیرات
همچنین در قانون مجازات اسلامی درنظم حقوق کنونی (تألیف رضا شکری وقادر سیروس) در ص ۵۵۳ آمده است: (..... ذکر عبارت کلی «هرکس» کافی به مقصود بوده و لیکن مقنن از باب تأکید براین مطلب که چنین عملی مطلقاً ممنوع و جرم است صراحتاً به مقامات و مأمورین دولتی اشاره نموده است.)
همچنین طبق نظر آقای دکتر هوشنگ شامبیاتی (حقوق کیفری اختصاصی ج. اول. ص ۴۶۱) و آقای دکتر عباس زراعت در شرح قانون مجازات اسلامی (ج. اول. ص ۳۶۷)
با توجه به اطلاق عبارت «هرکس» عبارت «غیرآنها» دلالت بر تأکید برشمول افرادی عادی دراین ماده دارد.

- ۹- متن نظر به مشورتی اداره حقوقی ق.ق به قرار ذیل است:
- «تفاوتی نیست بین آنکه جرایم ارتكابی مذکور در مواد (۵۸۳ و ۵۸۶ ق.م.ا) از سوی مأمورین دولتی و یا نیروهای مسلح و یا افراد عادی و غیر دولتی ارتكاب شود.»
- ۱۰- کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات.
- ۱۱- ر.ک، محشای ق.م.ا. دکتر گلدوزیان ذیل م(۶۸۶).
- ۱۲- استعلامات قضایی قضات سازمان ق.ن.م از اداره حقوق قوه قضایه ص ۷-۸.
- ۱۳- دکتر گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی ص ۳۲۴.
- ۱۴- دکتر گلدوزیان، ایرج حقوق جزای اختصاصی ص ۱۹۹.
- ۱۵- دکتر گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی ص ۱۹۸ و ۲۰۰ همچنین همان نویسنده محشای ق.م.ا ص ۳۲۴.
- ۱۶- شکری، رضا/ سیروس، قادر قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی ص ۶۳۶
- ۱۷- دکتر گلدوزیان، ایرج حقوق جزای اختصاصی ص ۲۰۳

منابع :

- ۱- دکتر جعفر لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق
- ۲- عمیدحسین، فرهنگ عمید.
- ۳- کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات.
- ۴- دکتر گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی
- ۵- دکتر گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی
- ۶- دکتر پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی
- ۷- دکتر زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی
- ۸- دکتر شامبیاتی، حقوق جزای اختصاصی
- ۹- استعلامات قضایی قضات سازمان قضایی
- ۱۰- مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۱ - آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور
اصولهای ۴/۲۶ - ۱۳۸۰.
- ۱۲ - شکری، رضا/ سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی ص ۶۳۶